

همایش "آنا دیلیم" در دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل

انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی اردبیل مورخه چهاردهم اردیبهشت ۱۳۸۵ مراسم باشکوهی با عنوان "آنا دیلیم" برگزار کردند.

این مراسم در سالن آمفی تئاتر دانشگاه از ساعت ۱۵ با تلاوت آیاتی چند از قرآن مجید آغاز گردید. سپس آقای ودود اسدی دبیر همایش جهت خوش آمد گوئی پشت تریبون قرار گرفت. ایشان بعد از خوش آمد گوئی به مهمانان محترم و دانشجویان گرامی و با عرض پوزش نسبت به کوچک بودن محل برگزاری همایش گفتند: انشاء اله با یاری مسئولین دانشگاه برنامه آتی انجمن در سالن اصلی دانشگاه برگزار گردد.

در ادامه آقای اسدی، دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد، با اشاره به روشهای مقابله با تهاجم فرهنگی "بازگشت به هویت اصیل و ملی" را از راهکارهای اصلی مقابله با تهاجم فرهنگی و غرب زدگی دانستند.

سپس خانم ستودا جهت قرائت شعر پشت تریبون قرار گرفت. ایشان با قرائت شعر "سو دئیب دیر منه اولده آنام آب کی یوخ..." به شدت مورد استقبال شرکت کنندگان قرار گرفت.

در این قسمت از برنامه دکتر غفرانی، استاد ادبیات دانشگاه آزاد، با ارائه مقاله در خصوص شخصیت و مقام والای استاد شهریاربه شناسایی این ادیب آذربایجان پرداختند.

"گروه موسیقی آذربایجان (دمیرچی)" با اجرای قطعاتی از موسیقی آذربایجان به مجلس شور و شوق خاصی بخشید.

بعد از اجرای موسیقی تنی چند از شعرای معاصر اردبیل از جمله استاد عاصم اردبیلی، اردشیر کریمی خیابوی، بهرام سمندری، خانم قلی زاده، خانم بدری، خانم مهدوی و... با ارائه اشعار خویش باردیگر قدرت و توانائی شعرای آذربایجان را به نمایش گذاشت.

در ادامه خانم جوانشیر با قرائت مقاله در مورد اهمیت و جایگاه زبان مادری به تبیین و تشریح این موضوع پرداختند.

سپس در پایان برنامه از شعرا و مسئولان دانشگاهی از جمله دکتر مهران (ریاست دانشگاه) - استاد بهنام بهاری (مسئول تشکل های سیاسی)، دکتر اثنی عشری (مسئول روابط عمومی دانشگاه)، حاج آقا شفاهی مهر (مسئول دفتر فرهنگی دانشگاه) و... که در اجرای این

برنامه همکاری های لازم را با مجریان برنامه داشتند به عمل آمد. این برنامه زیر شدید ترین فشارهای امنیتی و اطلاعاتی برگزار شد که در اقصی نقاط برنامه با بهم زدن سیستم صوتی سعی در اختلال برنامه داشتند. سیستم تهویه سالن قطع بود.

پایش سوز

دی شیخ با چراغ همی گشت گرد شهر کز دیو و دد ملولم و انسانم آرزوست

آنروز حس کردم که یک دوست، یک ... مثل من، حرفهایش را زد. می خواهم حرف های دوست را بگویم. او از انسانیت گفت. از حرمت. از موجودیت. گفت به آنچه انجام می دهد ایمان دارد. هدفش مشخص است. می داند به کدام راه قدم می گذارد. اما او هم به مانند همه ما نمی دانست آینده چه خواهد شد؟ اما راهی را انتخاب کرده بود که عقلانیتش ضامن آن بود. می گفت مهم نیست که دیگران چه می گویند و چه می خواهند. مهم این است که تو بر اساس اندیشه و عقیده ات زندگی کنی. همین بس است که به آنچه عمل می کنی ایمان داشته باشی تا اگر دیگران تو را به خاطر عمل و اندیشه ات مجازات کنند هرگز افسوس گذشته ها را نخوری و واژه ی پشیمانی را در دل و زبانت تکرار نکنی. چون میدانی راهی که پیموده ای هرگز از سر سطحی نگری، فراز و فرود های درونی و شور و شر جوانی نبوده است. برای شناختنش مطالعه کرده ای، فکر کرده ای، نگاه کرده ای، حتی شاید حس کرده باشی راهی که می خواهی بروی همان راهی است که باید بروی. گفت اگر معتقدی حقی داری که از تو سلب کرده اند برخیز و بگیر، برای طی این راه و رسیدن به مقصد عزم و اراده ات باید همچون کوه استوار و شکست ناپذیر باشد باید آنقدر محکم باشی تا در برابر طوفانها و غرش های سهمگین روزگار تاب آوری باید همت کنی. از آغاز تا پایان راه (اگر به آن رسیدی) فراموش نکن که انسان هستی، هویت داری، تاریخ داری، آرمان داری، وجود داری و نهایت: هیچ نباش و انسان باش.

همتم بدرقه راه کن ای طایر قدس
که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

سازیمی چالماق ایستیرم
سؤزومو دئمک ایستیرم
قارشیمدا داینانان آرادان گئدر
تورک اوغلو یولونو سونوجا گئدر

سر بلند باشید

از فیلم برداری ، فیلم داستانی امیر تیمور جلو گیری شد

کاروان تدارکات و فیلمبرداری ، فیلم داستانی امیر تیمور که به زبان ترکی ساخته می شد در سه راهی خوی توسط نیروهای امنیتی متوقف و از آغاز فیلم برداری این فیلم داستانی جلو گیری به عمل آمد .

سناریوی این فیلم که بر اساس زندگی امیر تیمور نوشته شده است به کارگردانی " ولی لطف دخت " از کارگردانان فیلم و تئاتر ارومیه ساخته می شد قرار بود این فیلم در منطقه یکانات و کوه قالا داغی فیلم برداری شود. بنابه خبر های رسیده کاروان فیلم برداری که تعدادشان ۱۷ نفر بود در سه راهی خوی توسط نیروهای امنیتی متوقف و بازجویی به جز کارگردان و یکی از چندین ساعت بازداشت و بازجویی به روزنامه نگار و مسئول صفحات همراهان کاروان " ائلیاز یتکنلی " (روزنامه نگار و مسئول صفحات ترکی هفته نامه صدای ارومیه) همگی آزاد شدند .

بر اساس آخرین خبرها " ولی لطف دخت " بعد از دو روز بازداشت آزاد گردیده ولی " ائلیاز یتکنلی " توسط نیروهای امنیتی به بازداشتگاه تبریز منتقل شده است . لازم به ذکر است که تابستان سال گذشته در ارومیه نمایشنامه " فرهاد و شیرین " به کارگردانی " ولی لطف دخت " بعد از چندین ماه کار بر روی آن اجازه نمایش نیافت .

پیر مردی ۷۰ ساله تنها در روستای کلو ورزقان ساکن است

سرویس: آذربایجان شرقی

روستای کلو از توابع بخش خاروانای شهرستان ورزقان سالها پیش صد خانوار با جمعیتی در حدود هزار نفر ساکن داشت که همه ای اهالی این روستا به دلیل کمبود امکانات رفاهی، آموزشی و بهداشتی به تدریج به سایر شهرها مهاجرت کرده اند و اکنون تنها یک نفر در آنجا زندگی می کند.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، در این روستا فقط مردی به نام «قربان قربانی» که ۷۰ سال دارد زندگی می کند. وی علت ماندن در روستا را احترام به وطن و زادگاه خود اظهار می دارد و می گوید: با بودن من در این روستا اسم و نام روستای کلو زنده می ماند و برای عشقی که به روستایم دارم تا ابد در اینجا سکونت خواهم کرد، چون ۷۰ سال عمرم را در اینجا سپری کرده ام.

وی برای این که در روستای خود به تنهایی غلبه کند دوستش را قرآن می داند و می گوید: هر وقت دلم بگیرد قرآن می خوانم، به مسجد می روم و بر سر مزار گذشتگان روستا فاتحه و قرآن می خوانم.

در ۱۰ روستای شهرستان سلماس به علت نبود مدرسه آموزش و پرورش تعطیل است

ارومیه ، خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیر آموزش و پرورش شهرستان سلماس گفت: در ۱۰ روستای این شهرستان به علت نبود مدرسه امر آموزش و پرورش تعطیل شده است.

علی حامدی روز چهارشنبه در آیین تجلیل از خیرین مدرسه ساز

افزود: ۲۱ مدرسه این شهرستان نیز فاقد سرویسهای بهداشتی و ۱۱ مدرسه نیز فاقد نماز خانه است.

مدیرکل نوسازی توسعه و تجهیز مدارس آذربایجان غربی نیز در این آیین گفت: در سالجاری برای مقاوم و استانداردسازی بیش از ۱۰ هزار ۱۲۳ کلاس درس در استان بیش از ۱۵۰۰ میلیارد ریال از محل مقاوم و استانداردسازی هزینه خواهد شد.

وحید آقازاده افزود: هم اکنون در سطح استان یک هزار و ۶۹۶ فضای آموزشی با شش هزار و ۲۳۵ کلاس درس نیاز به مقاوم سازی دارند و این در حالیست که در حال حاضر سه هزار و ۷۸۸ کلاس درس در استان در حالت تخریب هستند.

در این آیین از تعدادی از خیرین مدرسه ساز شهرستان سلماس با اهدا لوح تقدیر و جوایز تجلیل شد.

شونیسیم به سیم آخر زده است

شعار تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی آلمان، «ستارگان پارسی» است!!!

مطابق اخبار وسایل ارتباط جمعی ، شعار تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی آلمان، «ستارگان پارسی» است!

این شعار بی تردید در تضاد آشکار با واقعیتهای جامعه کنیرالمله کشور و همچنین ترکیب تیم ملی ایران است. تاکید اپارتاید بر حفظ این شعار فاشیستی، می تواند به منزله جنگ فرهنگی اعلام نشده ای علیه بیش از دو سوم از جمعیت غیر فارس ایران تلقی شود. انتخاب شعار ستارگان پارسی در حالی صورت گرفته است که بر اساس اعلام سایت بین المللی اتنولوگ، فارس زبانها کمتر از ۳۰ درصد جامعه ایران را تشکیل می دهند.

ترکها و آذربایجانیها با ۳۵ میلیون نفر جمعیت، جایگاه بزرگترین گروه قومی را در ایران بخود اختصاص داده اند.

قیسیسا ساو لار

• کوبا، عربستان، چین و روسیه به رغم آمار حقوق بشر ضعیفشان کرسی های شورای حقوق بشر جدید سازمان ملل را به دست آوردند؛ اما جمهوری اسلامی و ونزوئلا در این رقابت ناکام ماندند.

• کشورهای اروپایی مذاکره کننده با ایران موافقت کرده اند که مشوق های تازه ای به ایران ارایه کنند تا این کشور متقاعد شود که فعالیت غنی سازی اورانیوم خود را به حالت تعلیق در آورد.

• سخنگوی شورای امنیت ملی آمریکا اعلام کرد، واشنگتن رسماً و به صورت کتبی به نامه محمود احمدی نژاد رییس جمهوری ایران به جرج بوش رییس جمهوری آمریکا پاسخ نخواهد داد.

• بخشی از دیوار جنوبی بنای تاریخی قلعه قبان ماکو به دنبال بارش بارانهای چند روز گذشته و سست شدن پی آن فرو ریخته است.

• جمعی از دانشجویان دانشگاه صنعتی سهند تبریز، تحصن خود را در اعتراض به مشکلات صنفی، آغاز کردند.

• همایش آشپق ها در فرهنگسرای اقوام تهران برگزار شد.

• طرفداران تیم تراکتور سازی تبریز در دیدار حساس این تیم مقابل همای تهران با شعار **یاشاسین آذربایجان** تیم خود را تشویق می کردند.

• هنگام ورود احمدی نژاد به زنجان شونیسیم فارس تابلوی (تدریس زبان ترکی) را پاره پاره کرد.

• صدها نسخه بیانیه به مناسبت روز دانشجوی آذربایجانی در دانشگاه آزاد

مراغه پخش شد.

• طغیان رود مرزی ارس در پارس آباد موجب آبگرفتگی مزارع حاشیه آن شد.

• باران و تگرگ به مزارع کشاورزی و باغات خلخال خسارت زد.

• دومین جشنواره آتش ایرانی هفته جاری در زنجان برگزار می شود.

قصد داریم زین پس در این نشریه به بررسی آراء و عقاید وهمچنین تاریخ فمینیسم در دوران معاصر بپردازیم. آنچه پیش رو دارید قسمت اول این نوشته است.

نظریه فمینیستی بخشی از یک رشته پژوهش درباره زنان است که به طور ضمنی، یا رسمی، نظام فکری گستره عامی را درباره ویژگیهای بنیادی زندگی اجتماعی و تجربه انسانی از چشم انداز یک زن، ارائه میکند.

این نظریه از سه جهت متکی به زنان است نخست آنکه، موضوع عمده تحقیق و نقطه شروع همه بررسی ها، موقعیت (یا موقعیتهای) و تجربه های زنان در جامعه است دوم آنکه، این نظریه زنان را به عنوان موضوعهای کانونی در جریان تحقیق در نظر میگیرد یعنی در صدد آن است که جهان را از دیدگاه یا دیدگاههای متمایز زنان در جهان اجتماعی نگاه کند سوم آنکه نظریه فمینیستی دیدگاه انتقادی و فعالانه ای به سود زنان دارد و در پی آن است که جهان بهتری را برای زنان بسازد که به نظر آنها، بدین ترتیب جهان بشریت نیز بهتر خواهد شد.

نظریه فمینیستی کار یک اجتماع چندین رشته ای اعم از جامعه شناسی، انسان شناسی، زیست شناسی، اقتصاد، تاریخ، حقوق، ادبیات، فلسفه و علوم سیاسی، روان شناسی و خدانشناسی را نیز در بر میگیرد.

نیروی محرک نظریه فمینیستی معاصر، یک پرسش به ظاهر ساده است: «درباره زنان چه میدانیم؟» به عبارت دیگر، زنان در تحقیقات انجام گرفته کجا هستند؟ در صورت عدم حضور آنها در این تحقیقات، دلیل عدم حضورشان چیست؟ و در صورت حضور، دقیقاً چه کار میکنند؟ موقعیتهایشان را چگونه تجربه میکنند؟ چه نقشی در آن موقعیت دارند؟ آن موقعیت برایشان چه معنایی دارد؟ پیامدهای کوشش برای پاسخ دادن به -این پرسش بنیادی فمینیستی- درباره زنان چه میدانیم -پیامدهای انقلابی بودند اجتماع پژوهشی معاصر، به گونه نمایانی کشف کرده است که آنچه که به عنوان عالم تجربه پنداشته شده است، در واقع شرح جزئی بینانه ای از کشکران مردد تجربه هایشان بوده است.

برای آنکه درباره هر موقعیت اجتماعی فهم الگوی تازه ای داشته باشیم، باید مجموعه کلی جدیدی از کشکران را باز شناسی کنیم. فمینیستها با افتخار میگویند که زنان میتوانند مدعی «نیمی از جهان ما» شوند.

به راستی که تاثیر این بازشناسی به کشف انواع ستاره های تاکنون رصد نشده در کیهان از طریق عدسی های یک تلسکوپ جدید میماند، به گونه ای که برای هر منظومه ای صورت فلکی اساساً تازه ای تشخیص داده شده باشد. این پرسش طی این بیست سالی که از طرح آن میگذرد، نتایج تعمیم پذیری را به ارمغان آورده است اکنون زنان بیشتر در موقعیت های اجتماعی حضور دارند.

هرجاکه زنان حضور ندارند، عدم حضورشان به خاطر عدم توانایی یا علاقه آنها نیست، بلکه برای آن است که به عمد کوشش شده است تا آنها را از صحنه بیرون رانند. زنان در هر کجا که حضور دارند، نقشهایی را ایفا کرده اند که با برداشت همگانی از آنها (برای مثال به عنوان کدبانوها و مادران غیرفعال) بسیار تفاوت دارند. به راستی که زنان، چه در نقش خانه دار یا مادر و چه در نقشهای

دیگر، دوشادوش مردان در خلق موقعیتهای اجتماعی فعالانه حضور داشته اند اما پژوهشگران حضورشان را ندیده گرفته اند وانگهی، با آن که نقش زنان در بیشتر موقعیتهای اجتماعی اساسی بوده است، باز با نقش مردان در همین موقعیتهای برابری نداشته است. در مجموع، نقش زنان از مردان تفاوت داشته، جامعه برایش امتیاز کمتری قائل شده و در پایه ای پایینتر از نقش مردان جای داشته است. در معرض دید نبودن آنها، خود نشانه ای دال بر همین نابرابری است. همین چون و چراها ما را به دومین پرسش بنیادی فمینیستی سوق میدهد: «چرا وضع زنان به اینصورت است؟» همچنان که نخستین پرسش مستلزم توصیفی از جهان اجتماعی است این پرسش دوم نیز به تبیین از همین جهان نیاز دارد. کوشش فمینیستها برای پاسخ دادن به این دو پرسش بنیادی نظریه ای را به بار آورده است که برای جامعه شناسی اهمیت جهانی دارد این نظریه تا چه حد عمومیت دارد؟ برخی ممکن است بگویند از آنجاکه این پرسشها به موقعیت یک گروه اقلیت یعنی زنان اختصاص دارد نظریه ای که از آنها بر می خیزد باید مختص و دارای پهنه ای محدود باشد. اما یکی از دستاوردهای معرفت شناختی مارکس قرینه شایسته برای نظریه فمینیستی است مارکس به دانشمندان اجتماعی کمک کرده است تا کشف کنند دانشی که مردم از جامعه شان دارند و آنچه را که به عنوان احکام کلی و مطلق درباره واقعیت می انگارند در واقع بازتاب کننده تجربه کسانی است که از جهت اقتصادی و سیاسی بر جهان اجتماعی فرمانروایی میکنند. نظریه مارکسیستی به گونه ای موثری نشان داده است که انسان می تواند جهان را از دیدگاه کارگران بنگرد یعنی همان کسانی که هر چند از نظر اقتصادی و سیاسی زیر دست اند و تولیدکنندگان ضروری جهان ما به شمار می آیند، از این دیدگاه تازه، دانش طبقه حاکم اعتبار نسبی می یابد و از ترکیب این دانش نسبی یافته با دانشی از چشم انداز طبقه کارگر به دست میآید می توانیم تواناییمان را در تحلیل واقعیت اجتماعی گسترش دهیم.

همین دو پرسش نظری فمینیستی نیز در فهم ما از جهان یک نوع دگرگونی به بار می آورد این دو پرسش ما را به این کشف سوق می دهند که هر آنچه که ما به عنوان دانش کلی و مطلق از جهان قلمداد کرده ایم در واقع دانشی است که تجارب بخش قدرتمند جامعه یعنی مردان به عنوان سرچشمه می گیرد اگر همین جهان را از دیدگاه زنان که تا کنون نامرئی، پنهان و بی اعتبار بوده اند دوباره کشف کنیم یعنی از دیدگاه کسانی که تاکنون در نقشهایی زیر دست ولی ضروری در جهت اتحاد و بازآفرینی جامعه ای که در آن زندگی می کنیم خدمت کرده اند دانش تک بعدی ما نسبت پیدا می کند.

ادامه دارد.....

بر گرفته از کتاب جامعه شناسی معاصر نوشته جرج ریتزر

متن کامل کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض از زنان

مجمع عمومی سازمان ملل متحد کنوانسیون رفع هر نوع تبعیض از زنان را، در تاریخ ۲۷ آذر ۱۳۵۸ (۱۸ دسامبر ۱۹۷۹)، تصویب کرد. این کنوانسیون برای امضا، تصویب و الحاق کشورها مفتوح شد و، بر اساس بند ۱ ماده ۲۷، در تاریخ ۱۲ شهریور ۱۳۶۰ (سوم سپتامبر ۱۹۸۱)، لازم الاجرا شد.

مقدمه
دولت‌های عضو این کنوانسیون، با عنایت به این که منشور ملل متحد بر پایبندی حقوق اساسی بشر، مقام و منزلت هر فرد انسانی و برابری حقوق زن و مرد تأکید دارد؛

با عنایت به این که اعلامیه جهانی حقوق بشر بر اصل جایز نبودن تبعیض تأیید داشته، اعلام می‌دارد که کلیه افراد بشر آزاد به دنیا آمده و از نظر منزلت و حقوق یکسان بوده و بدون هیچ‌گونه تمایزی، از جمله تمایزات مبتنی بر جنسیت، حق دارند از کلیه حقوق و آزادی‌های مندرج در این اعلامیه بهره‌مند شوند؛ با عنایت به این که دول عضو میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشر متعهد به تضمین حقوق برابر زنان و مردان در بهره‌مندی از کلیه حقوق اساسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و سیاسی می‌باشند؛ با در نظر گرفتن کنوانسیون‌های بین‌المللی که تحت نظر سازمان ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی به منظور پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان منعقد گردیده‌اند؛ با عنایت به قطعنامه‌ها، اعلامیه‌ها و توصیه‌هایی که توسط ملل متحد و کارگزاری‌های تخصصی برای پیشبرد تساوی حقوق زنان و مردان تصویب شده است؛ با نگرانی از این که علی‌رغم این اسناد متعدد، تبعیضات علیه زنان همچنان به‌طور گسترده ادامه دارد؛ با یادآوری این که تبعیضات علیه زنان ناقض اصول برابری حقوق و احترام به شخصیت بشر می‌باشد و مانع شرکت زنان در شرایط مساوی با مردان در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور و نیز گسترش سعادت جامعه و خانواده شده و شکوفایی کامل قابلیت‌ها و استعدادها را در خدمت به کشور و بشریت را دشوارتر می‌نماید؛ با نگرانی از این که زنان در شرایط فقر و تنگدستی حداقل امکان دسترسی را به مواد غذایی، بهداشت، تحصیلات، آموزش و امکانات اشتغال و سایر نیازها دارند؛ با اعتقاد بر این که تشکیل نظام نوین اقتصاد بین‌الملل بر اساس مساوات و عدالت در تحقق پیشبرد برابری بین مردان و زنان نقش مهمی را ایفا می‌نماید؛

با تأکید بر این که ریشه‌کن کردن آپارتاید، اشکال مختلف نژادپرستی، تبعیض نژادی، استعمار، استعمار نو، تجاوز، اشغال و سلطه و دخالت خارجی در امور دولت‌ها لازمه تحقق کامل حقوق مردان و زنان می‌باشد؛ با تأیید بر این که تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی، تشنج‌زدایی

بین‌المللی، همکاری‌های متقابل دول، صرف‌نظر از نظام‌های اجتماعی و اقتصادی آنان، خلع سلاح کامل و به‌ویژه خلع سلاح اتمی تحت نظارت و کنترل دقیق و مؤثر بین‌المللی، تأکید بر اصول عدالت، مساوات و منافع متقابل در روابط بین کشورها و احقاق حق مردم تحت سلطه استعمار و بیگانه و اشغال خارجی به دستیابی به حق تعیین سرنوشت و استقلال و همچنین احترام به حاکمیت ملی و تمامیت ارضی باعث توسعه و پیشرفت اجتماعی خواهد شد و در نتیجه به دستیابی به مساوات کامل بین مردان و زنان کمک خواهد کرد؛ با اعتقاد بر این که توسعه تمام و کمال یک کشور، رفاه جهانی و برقراری صلح مستلزم شرکت یکپارچه زنان در تمام زمینه‌ها در شرایط مساوی با مردان است؛ با در نظر گرفتن سهم عمده زنان در تحقق رفاه خانواده و پیشرفت جامعه، که تاکنون کاملاً شناسایی نشده است، اهمیت اجتماعی و مادری و نقش والدین در خانواده و در تربیت کودکان و با آگاهی از این که نقش زنان در تولیدمثل نباید اساس تبعیض باشد، بلکه تربیت کودکان نیازمند تقسیم مسئولیت بین زن و مرد و جامعه به‌طور کلی می‌باشد؛ با اطلاع از این که تغییر در نقش سنتی مردان و زنان در جامعه و خانواده برای دستیابی به مساوات کامل میان زنان و مردان ضروری است؛ با عزم بر اجرای اصول مندرج در اعلامیه محو تبعیض علیه زنان و در این راستا اتخاذ اقدامات ضروری برای از میان برداشتن این گونه تبعیض‌ها در کلیه اشکال و صور آن، به شرح ذیل توافق کرده‌اند:

ادامه دارد.....

...پیش از خروس خوان

در تاریکی مطلق حرکت می‌کنیم، سر بالایی آخر را باید که در سپیده در نوردیم. طلوع آفتاب در کنار دریاچه قله این رای گروه بود برای صعود! خواب آلوده سرمازده والبتنه امیدوار، آرام پیش می‌رفتیم ناگهان در تاریکی از لابلای صخره‌ها متوجه مردان خشمگینی شدیم که به سرعت می‌آمدند و با فریادهای بلند شعار می‌دادند و شاید زیر لب نیز هزاران (بسم...) تا که در آن تاریکی ما زنان اجنه مسلک را دور سازند!!!

حتی نگاهشان نیز نکردیم، فقط خروس خوان را خواندیم زیبا و با شکوه خروس خوان را دیگر زیر هیچ سقفی جز آسمان نخواهم خواند.

آرام آرام پیش می‌رفتیم کمی دورتر دوباره آنها را دیدیم خسته و بریده آرزای وهوی اول راه، بی‌حال روی سنگ و خارا سنگ ولو شده بودند؛ ما همان طور که وعده کرده بودیم طلوع خورشید را بر فراز قله یکبار در دل آسمان و چند بار هم در دل دریاچه تماشا کردیم و لذت بردیم چه خاطره انگیز بود پایکوبی زیبای فریده شرط و وعده ی صعودش به قله!! همگی در کنار همدیگر به شگون دیدار خورشید و قله و دریاچه سبک بال دست افشانی کردیم.

منتظر همکاریهای شما هستیم.

گوشه ای از سخنان شیخ محمد خیابانی در مورد آزادی آذربایجان نزدیک به ۱۰۰ سال پیش

ارکین (آزادی)

ای آذربایجان ، ای دموکراسی آذربایجان ، سرت را بلند کن

تو ، نخستین مددگار تویی ، تو ، تو را نجات خواهی داد

هنوز خون آذربایجان جاری است . امروز چشم طهران بر جسد ملمع آذر بایجان افتاده و از دور نظری ترحم آمیز بر پیکر سرخ و سفید آن می افکند.

در مقابل بیگانه بهانه جو ، و در مقابل یگانه کینه ور ، آذر بایجانی زد ، خورد ، کشت ، کشته شد و دنبال گیرودار و کشمکش حیاتی را ، رشته انقلاب و تکامل را تا این روزهای کنونی ادامه و امتداد داد ...

قتل عامها ، غارتها ، بیداد گریها ، ستم کاریها ، نهضت استقلال و آزادی طلبانه آذربایجان را از پای در نینداخت ...

خارجی و داخلی ، هر یک بانظری که داشتند و نیتی که در قلبشان بود ، چوبه های دار را در سینه مجروح این سرزمین غیرت سرشت فرو بردند و سایه های تیره و تار آن آینه ظلم و اعتساف ، بر روی این خاک گلگون دراز کشید .

ولی جوانان با استخوان و پیرمردان قهرمان این ایالت ، در اوج آن قائمه های هنر سرهای خودشان را بلند کرده جهان را (جهان بیقرار ظلم و بیداد را) در زیر خود دیدند .

هر چه در حوصله وهم و خیال بود ، از مصائب و آلام ، از شکنجه ها و دردها هر چه در دایره امکان و احتمال بود .

پی در پی ، پشت سر هم در گذشت خوف انگیز آذربایجان توالی نمود . جنگ و تجلیات طالع جنگ ، دشمنان خارجی و داخلی این ایالت بردبار و روئین تن را عرصه وقوعات خود اتخاذ کردند . پنجه های سخت ترین تعرض و تعدی ، سینه نازنین این وطن را شخم و شیار کرد ، آتش واقعی و سوزان قشونهای غالب و مغلوب ، آبادی های آن را مبدل به تلهای خاک و خاکستر ساخت ، تیغ بی شعور عناصر نمک بحرام در عضلات نامحترم دختران آذربایجان زخمهایی گشاد که هرگز لبهای خونچکان آنها دم فرو نخواهند توانست بست!

گیرم که امروز در گرداب فلاکت و سفالت تاگلو فرورفته و مصائب وارده در کالبد تو یارای تحمل را مستأصل ساخته و در میان سخت ترین احتیاجات بی تاب و توان دست و پا میزنی ، گیرم که این سرمای زمستان بر عریانی جسمت نیشهای سهمناک میزند ، پریشان و پژمرده خاطر ، گرسن و بی سر و سامانی ، گیرم که سخت بدبختی . ممالکی که در جنگ سهیم بودند بقدر تو خار ندیده اند ، ملل گنهگار بقدر تو دچار عذاب و شکنجه نگردیده اند . مستحق ترین عاصیهای دنیا همه خلاصی یافته اند و تو هنوز گرفتاری ...

تو ، نخستین مددگار تویی ، تو ، تو را نجات خواهی داد هرگاه آن جوهر زندگی ، آن آتش فعالیت و بسالت که در خمیره تو بود بکلی بریده و تمامی خاموش گردیده است . هرگاه که دیگر آن نیستی که بودی ، باید بدرود گفت . ولی اگر شمه از آن جوهر تابناک ، اگر شراره از آن آتش سیال حمیت در رگهای تو هنوز پیدا است . یک فردای فرخجسته در پیش تو است ، و آن فردای کامیابی و نائلیت بر مرام بر تو مبارک باد **ای دموکراسی آذربایجان!**

تو یکه تاز یک میدان وسیع تجدد و تکامل هستی ، تجربت دیده ، از امتحان در آمده ، و اینک یک دوره جدیدی در پیش تو گشاده می شود .

در پیش استقامت و پا فشاری تو همه هر قدر قوی و مقتدر که بودند ، ظلم و اعتساف ، زجر و شکنجه ، دار و زنجیر و زندان همه یکی پس از یکی مضمحل گشتند .

بیگانگان مستولی و یگانگان دست نابردار ، همه بقدر استحقاق خودشان تارومار شدند ...

تخویفات ، تعدیات ، حملات ، محاصره ها و قتل عامها . ترا چاک چاک و زیر و رو کردند ولی مغلوب نه .

افتادی ، به زمین خوردی ، ولی هر دفعه با نیروی تازه تری بلند شدی ،

برخاستی و استقامت ورزیدی . حوادث و وقایع از روی عزم و اراده مغلول تو گذشتند ، ولی پس از مرگ و افول آنها تو زنده ماندی ، زیستی ...

عدالت در جهان امروز؟؟

کلاس تفسیر موضوعی نهج البلاغه بود وموضوع درس عدالت. استاد در مورد دیدگاه حضرت علی (ع) در نهج البلاغه صحبت می کرد. یکی از دانشجویان هم در همین مورد تحقیقی انجام داده بود تحقیق او شامل سه بخش می شد: ۱- عدالت از دیدگاه قرآن ۲- عدالت از دیدگاه نهج البلاغه ۳- عدالت در جهان امروز ، کنفرانس جالبی بود مخصوصا قسمت سوم کنفرانس این دانشجو شاهد مثالی از عدالت از دیدگاه بزرگان سیاست در عرصه سیاست جهانی امروز گردآوری کرده بود وی در قسمتی از کنفرانس به دو اظهارنظرمتناقض بوش رئیس جمهور آمریکا اشاره کرد که میگفت توهین به ساحت مقدس پیامبر اسلام(ص) در روزنامه های آمریکایی اگر کار زشتی هم باشد نباید با آن مخالفت کرد چون مخالف آزادی مطبوعات است و در جای دیگر گفته بود که مسابقه کاریکاتور در روزنامه همشهری با موضوع افسانه هولوکاست چون علیه اسرائیل است باید محکوم شود و این عدالت !!! از نظر پرزیدنت بوش به حساب می آید.

مطالب کنفرانس ذهنم را مشغول کرده بود مخصوصا آیه ای که در قسمت اول کنفرانس (عدالت از دیدگاه قرآن) آورده شده بود با این مضمون که اگر به خاک مسلمین تجاوز شود وظیفه همه مسلمین است که با متجاوزین مقابله کنند و از مسلمین حمایت. دو مصداق از تجاوز به خاک مسلمین در ذهنم تداعی شد، مردم مظلوم فلسطین و قاراباغ آذربایجان .

سه واژه عدالت ، فلسطین ، قاراباغ و هزاران سوال . حمایت بی دریغ وهمه جانبه از مردم فلسطین و بایکوت قاراباغ وحتى حمایت از رژیم اشغالگر ارمنستان؟؟؟تظاهرات قانونی ارمنه در ایران دراعتراض به افسانه موهوم نسل کشی ارمنه توسط ترکها؟؟!! آیا ارمنستان، متجاوز به منطقه شیعه نشین قاراباغ نیست؟! حمل پرچم کشور بیگانه (ارمنستان) در تهران پایتخت ایران چه معنی می تواند داشته باشد؟ چرا مدارس ارمنه در روز ۲۴ آوریل تعطیل بود؟! و کودکان ارمنه در تظاهرات لباس دانشکهای جنایتکار بر تن داشته و دستمالی به شکل پرچم ارمنستان به گردن بسته بودند؟ و هزاران آیا و چرای دیگر ونمونه ای از عدالت در جهان امروز؟!!

زبان ترکان آذربایجانی در آینه زمان

علی خلخالی

زبان یکی از ویژگیهای تغییرناپذیر ملتها و جوامع است، زبان هر قوم و ملتی با زبان دیگر اقوام و ملتها تفاوت دارد و هیچ زبانی هم با گذشت زمان، تغییرات سیاسی و جغرافیایی و ارتباطات اجتماعی و نیز پیشرفتهای علمی و فرهنگی تغییر نمیکند. یک قوم ممکن است در برخی عرصهها تغییرات کلی را پذیرا شوند و خود را با پدیدههای روز و نوع آوریهای زمان تطبیق داده و هماهنگ سازد اما زبان و فرهنگ اصیل خویش را هرگز نمیتوانند تغییر دهد، ولی جالب توجه است که: دفتر برنامه ریزی و هماهنگی امور اقتصادی استانداری آذربایجان شرقی کتابچه ای تحت عنوان (استان آذربایجان شرقی در یک نگاه) منتشر کرده و در صفحه ۱۱ آن مطالبی کاملاً بی اساس و بی پایه در مورد زبان به اصطلاح قبلی مردم این استان نوشته مبنی بر اینکه: «مردم این استان قبلاً به زبان آذری سخن می گفتند اما مقارن با تشکیل سلسله صفوی زبان ترکی جانشین زبان آذری شد. این زبان در اثر گذشت زمان به علت تداخل فرهنگی و سیر تاریخی تحت تأثیر زبان فارسی، عربی، ارمنی و گرجی قرار گرفته و در حقیقت زبان ترکی کنونی مردم تبریز زبان آذری جدید یا ترکی آذری می باشد!!!»

به طوریکه ملاحظه میشود نویسنده مطلب با تحقیر زبان مادری میلیونها ایرانی ترک زبان چهره واقعی خود را نشان داده و در آن علناً هويت ترکان ایران را زیر سؤال برده است. که در اینجا لازم می دانم به داستانی از گاليله پپردازم.

قریب پانصد سال پیش وقتی دادگاه انگیزاسیون (تفتیش عقاید) گاليله را وادار کرد که بین مرگ یا زندگی و پس گرفتن حقیقتی علمی که آن را کشف کرده بود یکی را انتخاب کند و او ناگزیر شد برای زنده ماندن حقیقت را انکار کرده و اعتراف کند زمین ثابت است و نمی چرخد ولی هنگامی که وی از دادگاه بیرون می آمد پایش را بر زمین کوبید و زیر لب گفت ای زمین بچرخ هر چند من اعتراف کردم تو حرکت نداری و ثابتی.

در ابتدای سخن و در پاسخ به این گونه نویسندگان مأمور، لازم است که ما ترکان آذربایجانی هم پای خود را بر زمین کوبیده و به صراحت برای همیشه اعلام نماییم که آذربایجانیها ایرانیان ترک زبان هستند و به ایرانی بودن خود افتخار می کنند و به همین علت هم در طول تاریخ بیش از دیگر ایرانیها از استقلال و تمامیت ارضی ایران زمین با تمام وجود دفاع کرده اند و مسلم است کسانی که از موجودیتی بیشتر دفاع کنند قدر آن را بیشتر دانسته و در هر شرایط و زمانی در آینده هم برای حفظ و حراست آن صمیمانه با اعتقاد و ایمان فداکاری خواهند نمود. در این راستا وحدت ملی ایران نیز که برخی نابرده رنج، سنگ آن را این همه به سینه میزنند بیشتر مدیون ترکان آذربایجانی است. چرا که بیش از به قدرت رسیدن صفویان قرنها بود کشور ایران به مفهوم امروزی وجود نداشت. و این شاه اسماعیل صفوی ترک آذربایجانی بود که با کمک تیره های قزلباشان ترک با از بین بردن بیش از پنجاه حاکمیت محلی، به کشور ایران به مفهوم امروزی وحدت بخشید، که به قول استاد ارجمند آقای سردارنیا در این حرکت عظیم تاریخی بزرگترین ابزار او همین زبان ترکی آذربایجانی بود که در واقع محمل فکری ادبیات شیعه را تشکیل میدهد که متأسفانه آن هم اینطور مورد کینه و اهانت قرار میگیرد و جالب توجه است، که شاه اسماعیل ترک زبان با کمک و پشتیبانی ترکان آذربایجان برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران با سلطان سلیم یاووز، امپراطور ترک عثمانی جنگید. یکی از لطامات جبرانناپذیری که در زیر سایه شوم استبداد رژیم پهلوی بر پیکره جامعه فرهنگی میهن عزیزمان ایران وارد گردید به

علت عدم وجود فضای آزادی بود که مورخان و روشنفکران این سرزمین نتوانستند با تأمل، تفکر و تحقیق در مبادی تاریخی و اجتماعی قومیتهای مختلف کشور، حقایق تاریخی را بی هیچ غرض ورزی در آئینه زمان بتابانند، وقایع تاریخی را آنطور که پدیدار شده اند نه آنطوری که برخی از اشخاص میخواهند مکشوف سازند تا زبان، فرهنگ و هویت واقعی مردمان این سرزمین در قرون و اعصار برای اطلاع همگان و ثبت در تاریخ به رشته تحریر درآید و نسلهای امروز و فردا بخوبی از آن مطلع شوند. بهر حال اینگونه مطالب منتشره در برخی از مطبوعات و کتابچهها شمه ای از نیت پوچ و بی اساس برخی از مسئولان امور و نویسندگان مأمور است و لاغیر چرا که این نوشتهها بدون آنکه از پشتوانه علمی لازم برخوردار باشد فقط برداشت های احساسی و سطحی است که نویسندگان مربوطه بدون آنکه برای یافته (بخوانید یافته) ذهنی خود به ذکر مأخذی اشارت نمایند صرفاً در مقام انکار هويت قومی مردم ترک آذربایجان در این مرز و بوم برمی آیند. که شایسته است برای رفع شبهات که اینگونه نوشتهها ممکن است در مورد تاریخ، زبان و فرهنگ مردم آذربایجان برای برخی از اشخاص بوجود آورد مجموعه نکاتی را با ذکر منابع از نویسندگان و پژوهشگران تاریخ به شرح ذیل به اطلاع خوانندگان محترم برسانیم:

۱- زبان ترکی آذربایجان به زبانی گفته می شود که امروز علاوه بر اهالی سرزمینی که از نظر جغرافیایی نام آذربایجان بر خود دارد اقوام و تیره های شهر و روستانشین بسیاری نیز با فاصله دور و نزدیک از این خطه جغرافیایی از کشورهای ترکیه، گرجستان، جمهوری آذربایجان و عراق گرفته تا کوهپایه های خراسان و از سواحل دریای خزر تا سرزمینهای فارس و کرمان به این زبان تکلم میکنند و احساسها و اندیشهها و مقاصد خود را با این زبان بیان می دارند. زبان امروزی آذربایجان از نظر منشأ تاریخی به خانواده زبانهای آلتائیک تعلق دارد که موطن اصلی آن نخست سرزمینهای آسیای مرکزی و کرانه های ینی سئی بوده و بعدها در طول ادوار تاریخی با جریان کوچ و اسکان قبایل و اقوام ترک زبان گسترش یافته و دامنه آن تا شبه جزیره بالکان، حتی فراتر کشیده شده، زبان تکلم و کتابت اقوام و ملتهای مختلف گشته است. زبان آذربایجانی در گروه بندی امروزی زبانهای ترک جزو زبانهای ترکی آناطولی و ترکی ترکی که از همین گروه هستند بوده و از همه زبانهای دیگر ترکی به آنها نزدیکتر است. زبان ترکان آذربایجان که در شکل پذیری تاریخی خود از میان شیوه های قدیمی زبانهای ترکی به شیوه اوغوز و تا حدود زیادی قبیحاق مبتنی بوده در سیر مراحل تحول به اقتضای شرایط تاریخی و اجتماعی از یک سو با سایر شاخه های زبان ترکی الفت داشته و از سوی دیگر به دلیل همجواری و آمیزش و هماهنگی در ارائه فرهنگ و ادبیات مشترک اسلامی با زبانهای پارسی، عربی و پاپای گسترش روابط فرهنگی، علمی و فنی با دنیای غرب با زبانهای اروپایی محشور بوده است. این مراوده حشر تاریخی، الزاماً موجب تأثیر متقابل واژهها و تغییرات این زبان ها در یکدیگر گردیده و در این تأثیر پذیری متقابل تعداد انبوهی لغات و تعبیرات از زبانهای فوق به زبان آذربایجانی راه یافته و بطور گسترده محدود در آن متداول گشته است.

ادامه دارد...

فارسی قیر یلدا تاما

شامی

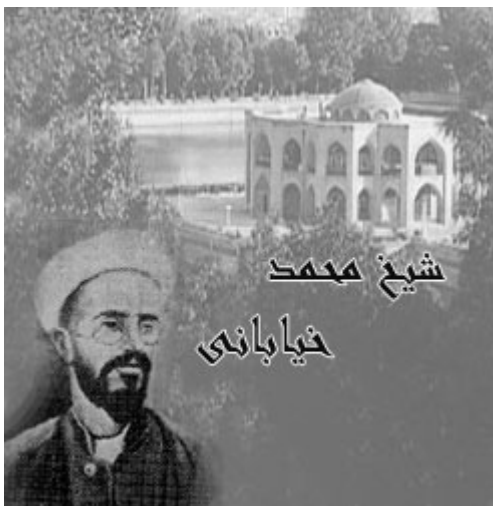
فارسی قیر یلدا تاما دیلین وارسنین قهرمان خلقیمیز گۆز تکیب سنه سن گۆزل سوناسان هر سویا دوشمه اگر بولود اولسان یاغ قوراخلیقا «یاغ اولوب یاندیرما یادلار چیراغین» دتمیرم فارسيجا یازابیلیمرسن آممانتجه دئییم فارسی دان گۆزل «سعدی» نی «حافظ» ی چوخدا ازدیرمه آرخالان بابکه رستم نه چی دیر؟ نسیمی، خطایی واقف، فضولی اؤزه یتر هاییلین سازین کامانین ایزین داش دؤورونه گندیب یتیشیب سولور اؤز باغین دا گولر، چیچک لر آی عاشیق چال اوخو آنا دیلین ده تور کو نغمه ایستیر یانیق کونلوموز پاشالار باغیندا بوقولوق نه دیر؟! شاعیر لر جوشدوران سولو، صفالی وورولما یادلارین گۆزلرینه سن یوگور میدانا «کور اوغلو» کیمی «دورنا» سان قاققیداسس وئر سسیمه آیین وئر الیمه داغلار آشیراق «شامی» یم یالقیزام یوخدور کومگیم دایناما شعریمین تئز وئر جوابین

آتالار سؤزو

- Ø آلاهدان اوزولمیه نه اولوم یوخدور.
- Ø آلاه قازانانان آلا ر وئرر بیجهره نه.
- Ø آلاه بونووا قویسون.
- Ø آلاه بیله سین قرغه بییدی.
- Ø آلاه دغله مات وئر مه سین.
- Ø آت آلامیش آخیر چکیر.
- Ø آت اولان گونو آت، آری اولان گونو آری.
- Ø ات قوتولاندان سورا باتمان آلا ن چوخ اولار.
- Ø آتامین اولمه گینه ن قورخیرام، قورخیرام عزرائیل قاییمی تانیبا.
- Ø آندان دوشور، بیه رده ن دوشمور.
- Ø آج توبوق یاتار یوخودا داری گۆره ر.
- Ø آدام باشینا کول اله سه ده اوجا یترده ن البیه.
- Ø آدام دئییر ائششه گین قولاغینا یاسین اوخویورسان.
- Ø آدام دئییر آغزین پیشیری ب له ر.
- Ø آدام دئییر تک ائششه گلی خلوه ره دونور.

سن اگر بولبولسن گولون وارسنین فرهنگی تالانمیش ائلین وارسنین اوزمگه دوم دورو گولون وارسنین سویا حسرت قالمیش چولون وارسنین قارانلیق آیلارین، ایلین وارسنین چوخ گۆزل یازیر سان الین وارسنین قیلینج کیمی کسگین دیلین وارسنین معجز «ون و ورغونون لعلن وارسنین دانالار باسماقا کلین وارسنین «دده قورقود» کیمی اولون وار سنین بولبول چهچه له لی تئلین وارسنین سومئر لره باغلی تئلین وارسنین وئر مه تیکان لارا گولون وارسنین سازین دا خوش بمین زیلین وارسنین سدی بیخ قوی گه له سئلین وارسنین اونودماییر «چنلی بئلین» وارسنین آرازین، موغانین میلین وار سنین ائلین ده چوخ اینجه بئلین وارسنین مین لرله های باسان ده لین وارسنین قاطاردان آیریلما یولون وارسنین بیلیرم قدر تلی قولون وارسنین گه ل اکک بو باغی بئلین وارسنین اگر بومیداندا فعلین وارسنین

سؤنمز ادا لار



روحانی مجاهد، شیخ محمد خیابانی در سال ۱۲۵۹ شمسی در خامنه در نزدیکی تبریز متولد شد. وی پس از فراگیری علوم مقدماتی، از محضر حضرات آیات سید ابوالحسن انگجی و میرزا عبدالعلی، فقه و اصول و هیئت و نجوم را آموخت و پس از مدتی به تدریس پرداخت. زندگی شیخ محمد خیابانی پس از پیروزی مشروطه در سال ۱۲۸۵ وارد مرحله تازه ای گردید و در جریان محاصره تبریز، در دفاع از شهر نقش مهمی ایفا کرد. در زمان خیابانی اوضاع جهان اسلام و بویژه ایران، بخاطر دخالت های بیگانگان از جمله روسیه، انگلیس و آلمان بسیار آشفته و تاسف انگیز بود. پس از خلع محمد علیشاه از سلطنت، خیابانی در سی سالگی به عنوان نماینده مردم تبریز راهی مجلس شورای ملی گردید. او با اولتیماتوم روسیه در مجلس دوم مخالفت کرد و همچنین با قرارداد استعماری وثوق الدوله با دولت انگلستان (قرارداد ۱۹۱۹) نیز به مبارزه برخاست. خیابانی، از آنجا که حکومت مرکزی را ضعیف و وابسته می دید، ایجاد یک تحول اساسی در سیستم حکومت ایران و احیای آزادی را گام نخست برای خانه تکانی ایران و بیرون راندن اشغالگران خارجی می دانست. ولی برداشتن گام اول را از طریق مذاکره سیاسی امکان پذیر نمی شمرد و تنها راه را در قیام و مقاومت دلیرانه در برابر استبداد و دخالت خارجی می دانست. از این رو، بعد از قبول قرارداد ۱۹۱۹ از سوی دولت ایران، در تبریز دست به قیام زد. وی در جریان این قیام که از ۱۷ فروردین ۱۲۹۹ شمسی، آغاز شد، نهادهای دولتی تبریز را به تصرف خود درآورد و شهر را از دست دولتیان خارج ساخت. قیام پیروزمندان مردم تبریز به رهبری شیخ محمد خیابانی، بیش از پنج ماه ادامه داشت، اما به دلیل خیانت کسانی که قول همکاری

داده بودند، کم بودن نیروها و حضور قزاقخانه در کنار شهر تبریز و همکاری آن ها با حکومت مرکزی، این قیام به شکست منجر شد. سرانجام با ورود نیروهای دولتی، قزاقان به فرمان مخبرالسلطنه فرستاده ویژه مشیرالدوله، صدر اعظم وقت، شیخ محمد خیابانی را در ۲۱ شهریور ۱۲۹۹ برابر با ۲۹ ذی الحجه ۱۳۳۸ ق در چهل سالگی به شهادت رساندند و او را در گورستان سید حمزه تبریز به خاک سپردند. بعدها، آن گورستان به مدرسه تبدیل شد و پس از ویرانی مدرسه، مقبره خیابانی هم از بین رفت.

حقوق بشر (1)

از کتاب معروف فرهنگی **ولتر** نقل کرده‌اند که گفته شده:

حقوق بشر یعنی آن که جان و مال آدمی آزاد باشد و او بتواند به زبان قلم با دیگران سخن گوید. حقوق بشر یعنی آن که نتوان کسی را بدون حضور یک هیئت منصفه متشکل از افراد مستقل به مجازات محکوم کرد. یعنی آنکه محکومیت کیفری بر حسب مقررات قانون صورت گیرد. یعنی آنکه انسان بتواند با آرامش خاطر به هر دین که خود بر می‌گزیند، متدین شود.

این حقوق بشر چنان که از تامل ولتر پیداست از همان آغاز جنبه جهانی داشته است. روی سخن منادیان آن حقوق با کشور خاص و جامعه معینی نیست. مخاطبین آن کل دنیای بشر است بی هیچ ملاحظه رنگ و نژاد و تبار و مرزهای جغرافیایی این حقوق از آنگاه که در قرن هیجدهم به طور جدی مطرح شد روز به روز بر غنای خود افزوده و دایره مطالبات خود را توسعه داده

مراحل نخستین این حرکت به صدور بیانیه حقوق بشر و شهروند سال ۱۷۸۹ در فرانسه انجامید. مسئله حقوق و آزادی‌ها به زودی در **قوانین اساسی** کشورهای دیگر راه یافت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل متحد مصوبه دهم دسامبر، ۱۹۴۸

مقدمه: از آنجا که شناسائی حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد، از آنجا که عدم شناسائی و تحقیر حقوق منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیائی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است، از آنجا که اساسا حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد ظلم و فشار مجبور نگردد، از آنجا که اساسا لازم است توسعه روابط دوستانه بین ملل را مورد تشویق قرار داد، از آنجا که مردم ملل متحد، ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسانی و تساوی حقوق مرد و زن مجددا در منشور اعلام کرده‌اند و تصمیم راسخ گرفته‌اند که به پیشرفت اجتماعی کمک کنند و در محیطی آزادتر وضع زندگی بهتری بوجود آورند، از آنجا که دول عضو متعهد شده‌اند که احترام جهانی و رعایت واقعی حقوق بشر و آزادیهای اساسی را با همکاری سازمان ملل متحد تامین کنند، از آنجا

که حسن تفاهم مشترکی نسبت به این حقوق و آزادیها برای اجرای کامل این تعهد، کمال اهمیت را دارد، مجمع عمومی این اعلامیه جهانی را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند تا جمیع افراد و همه ارکان اجتماع، این اعلامیه را دائما در مد نظر داشته باشند و مجاهدت کنند که بوسیله تعلیم و تربیت، احترام این حقوق و آزادیها توسعه یابد و با تدابیر تدریجی ملی و بین المللی، شناسائی و اجرای واقعی و حیاتی آنها چه در میان خود ملل عضو و چه در بین مردم کشورهایائی که در قلمرو آنها می‌باشند تامین گردد.

ماده ۱ تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه دارای عقل و وجدان می‌باشند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند.

ماده ۲ الف/ هر کس می‌تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصا از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، نسب یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و کلیه آزادیهای که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد. ب/ بعلاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی، اداری و قضائی یا بین المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد، خواه این کشور مستقل تحت قیمومت یا غیرخود مختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. ادامه دارد...

**دانشجویان عزیز می‌توانند
نظرات، پیشنهادات و انتقادات
خود را به دفتر جمعیت اسلامی
تحویل دهند.**

نشریه اجتماعی سیاسی فرهنگی دانشجویان تورک دانشگاه زنگان

شماره پنجم بهار ۸۵

صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنگان

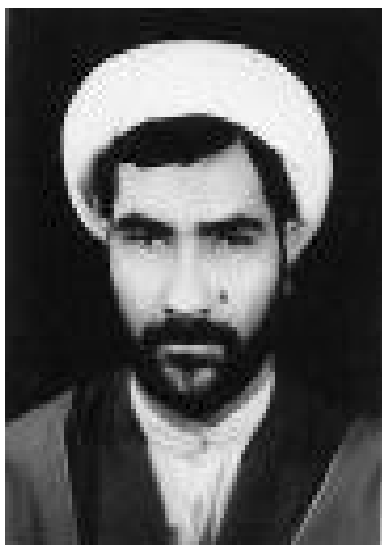
مدیر مسئول: سهیلا عباس لو

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره: احداداشی - امیر حبیبی - جعفر سلیمی - سعید اجلی

اسماعیل جباری - عابدین نظری - قیچاقلی - علی زلفی

حجة الاسلام عظیمی قدیم روانه زندان شد



یکشنبه ۶ فروردین ماه سال ۱۳۸۵ حجة الاسلام عظیمی قدیم روانه زندان شد حکم زندان حجة الاسلام عظیمی قدیم روحانی آذربایجانی توسط دادگاه تجدید نظر تایید گردید و وی یکشنبه ششم فروردین ماه راهی زندان تبریز شد. عظیمی قدیم که در مراسم سالگرد انقلاب مشروطیت در کنار مزار باقرخان سالار ملی در ۱۴ مرداد ۱۳۸۴ دستگیر شده بود پس از تحمل سه ماه زندان توسط دادگاه ویژه روحانیت تبریز محاکمه شد. وی علاوه بر محکومیت به ۵ سال ممنوعیت خروج از کشور و ۵ سال منع اقامت در استانهای آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان و انجام هر گونه فعالیت‌های تبلیغی در استانهای فوق و ۱۰ سال محرومیت از پوشیدن لباس روحانیت به یکسال و همچنین سه ماه و یک روز حبس تعزیری محکوم شده بود که احکام زندان از امروز توسط شعبه اجرای احکام دادگستری تبریز اجرا می شود و روحانی ترک دوران حبس خود را به مدت یکسال پس از کسر سه ماه بازداشت قبلی آغاز می کند .

نماینده تبریز در مجلس:

150 کارگاه و کارخانه تولید چرم در آذربایجان شرقی تعطیل شده اند

تبریز - خبرگزاری کار ایران -

نماینده مردم تبریز، آذرشهر و اسکو در مجلس از بیکاران و زنان خانه دار به عنوان فراموش شدگان جامعه کنونی یاد کرد به گزارش خبرگزاری کار ایران، "عشرت شایق" که در گردهمایی زنان کارگر استان آذربایجان شرقی سخن می گفت، افزود: متأسفانه این دو قشر در جامعه فراموش شده هستند و هیچ مسئول و قانونی به فکر آنان نیست .

"عشرت شایق" گفت: این در حالی است که زنان خانه دار زمینه توسعه پایدار را فراهم کرده و نبض جامعه به دستان آنان به حرکت در می آید. وی همچنین به بیکاری و اخراج کارگران و تعطیلی واحدهای تولیدی صنعتی اشاره کرد و گفت: تنها در استان آذربایجان شرقی ۱۵۰ کارگاه و کارخانه تولید چرم تعطیل شده اند که این موضوع باید از سوی مسئولین کشوری و استانی مورد کنکاش قرار گیرد. "عشرت شایق" در سخنان خود به نقش زنان در جامعه پرداخت و گفت: زنان کشورمان ۲۳ تخصص را انجام می دهند ولی ارزش آنها سنجیده نمی شود. وی با بیان اینکه در این زمینه متأسفانه در برنامه چهارم توسعه و مجلس ششم ضعیف عمل شده است، افزود: مجلس هفتم در این خصوص برنامه های مناسبی را در حال تدوین دارد.

یک جوان مبتکر قوشاچایی (میانداوبی) موفق به طراحی و ساخت فرمان الکترونیکی خودرو شد

میانداوب ، مهاباد ، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۸۵/۰۱/۰۸ داخلی.اقتصادی.اختراعات.

یک جوان مبتکر میانداوبی موفق به طراحی و ساخت فرمان الکترونیکی خودرو شد.

این جوان ۲۴ ساله که پیمان سلیمانی نام دارد این اختراع خود را که با بهره‌گیری از دستگاه گیربکس خودرو طراحی شده است، در اداره ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی کشور به ثبت رسانده است. به گفته این جوان مبتکر، طرح وی مشابه خارجی نداشته و در صورت استفاده از آن در خودرو دیگر نیازی به فرمان خودرو و کنترل آن از سوی راننده بویژه در سرعتهای بالا وجود نخواهد داشت.

وی که این اختراع خود را در کارگاه شخصی‌اش و در منزل پس از یکسال تلاش طراحی و ساخته است، می‌گوید: با بکارگیری این دستگاه در خودروها معلولان و جانبازان نیز می‌توانند براحتی از خودرو استفاده نمایند.

برادر این جوان میانداوبی نیز که سعید سلیمانی ۲۳ ساله نام دارد اخیرا موفق به ساخت درب بازکن برقی از راه دور خودرو شده است.

به گفته این جوان میانداوبی، با ساخت این دستگاه درب خودروها بدون اهرم دستی و کلید با استفاده از نیروی برق توسط راننده قابل باز و بسته کردن خواهد بود.

وی یادآور شد: این اختراع مشابه خارجی ندارد.

وزیر دفاع جمهوری آذربایجان از نقض آتش‌بس در قره‌باغ ابراز نگرانی کرد

باکو ، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۸۵/۰۱/۱۲ وزیر دفاع جمهوری آذربایجان روز شنبه از نقض مکرر آتش‌بس در منطقه مورد مناقشه "قره‌باغ" از سوی نیروهای ارمنی ابراز نگرانی کرد.

"صفر ابی‌اف" در گفت وگو با خبرنگاران، با اشاره به جان باختن سه سرباز جمهوری آذربایجان طی ماه اخیر در اثر تیراندازی نیروهای ارمنستان، اوضاع در این منطقه را بیش از حد متشنج خواند.

مقام نظامی آذربایجانی تاکید کرد، منتظر دستور الهام علی‌اف به عنوان فرمانده کل قوا برای مقابله با دشمن هستیم.

بر پایه گزارش منابع خبری باکو، ایالت خودمختار قره‌باغ کوهستانی پس از فروپاشی شوروی، با حمایت ارمنستان جدایی خود را از دولت باکو اعلام کرد.

اقدامات جدایی طلبانه در قره‌باغ کوهستانی موجب درگیری نظامی میان نیروهای ارمنی و آذری در سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۴ و خارج شدن این منطقه از نظارت دولت باکو شد.

با وجود اعلام آتش‌بس در سال ۱۹۹۴ میان طرفین درگیر، تلاش‌های بین‌المللی برای حل مسالمت‌آمیز این مناقشه هنوز به نتیجه‌ای نرسیده است.

گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا سال ۱۹۹۲ بمنظور میانجیگری بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در مناقشه منطقه قره‌باغ کوهستانی تشکیل شد و در زمان حاضر آمریکا، روسیه و فرانسه ریاست مشترک در آن را بر عهده دارند.

نیازاف رییس جمهور مادام العمر ترکمنستان : کتابم را 3 بار بخوانید و به بهشت بروید

به گزارش بخش خبر ام.جی.ای. صفر مراد نیازاف رییس جمهور مادام العمر ترکمنستان در تلویزیون دولتی این کشور اعلام کرد هر فردی کتاب، رخ نما، که او تالیف کرده و به یک کتاب مرجع در ترکمنستان تبدیل شده را ۳ بار بخواند قطعاً به بهشت خواهد رفت!

به گزارش ام.جی.ای. به نقل از خبرگزاری فرانسه، صفر مراد نیازاف ملقب به ترکمن باشی که کیش پرستش شخصیتش را در ترکمنستان باب کرده گفت هر فرد ترکمن که ۳ بار، رخ نما، را بخواند به یک ثروت معنوی دست یافته، باهوش تر خواهد شد و مستقیماً به بهشت خواهد رفت! صفر مراد نیازاف چندی پیش با یک ماهواره روسی کتاب، رخ نما، را به فضا فرستاد تا ساکنان سایر کرات اگر زبان ترکمنی بلد باشند آن را خوانده و معرفتشان بیشتر شود! کتاب، رخ نما، شامل ۲ بخش است و در تمام مدارس و دانشگاههای ترکمنستان به طور اجباری تدریس شده و کلیه کارمندان دولت برای حفظ مشاغلشان هر سال باید در آزمونی شرکت کرده و این کتاب را امتحان دهند!

جلوگیری از نوشتن پلاکارد ترکی در دانشگاه شبستر

طبق گزارشات رسیده از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شبستر دانشجویان رشته کامپیوتر این دانشگاه برای قدردانی از دوست CAG و همکلاسی خود که در مسابقات رزمی آزاد و بی قانون در باکو مقام اول را کسب کرده بود پلاکاردی به زبان مادری (ترکی) نوشته و پس از تایید روابط عمومی آنرا نسب کردند که این کار با استقبال بی حد دانشجویان روبرو گردید. پس از مدتی عوامل این کار در حراست مورد مواخذه قرار گرفتند و به آنان تهمت خرابکاری و اختشاشگری زده شد و اعلام شد که زبان رسمی در ایران فارسی بوده و حق استفاده از غیر آن را در محافل عمومی ندارید لازم به ذکر است که پلاکارد مذکور از دیوار برداشته شد.

پان؟!؟!!

منظور تو از " پان " ، " علاقه به وطن ، نژاد ، ملت ، خاک ، آداب ، رسوم ، تاریخ ، موسیقی ، زبان ، لباس ، ساختمان ها ، درختان ، خرابه ها ، آب جاری رودخانه ها ، گیاهان دشت و دمن ، جنگل ، حیوانات اهلی و وحشی ، معادن ، و... وطنم ، زادگاهم ، مامم است ، اقرار می کنم : من " پان " هستم و افتخار می کنم که وطنم ، خونم ، مادرم ، گذشته ام و آینده ام را دوست دارم اما از حالی که تو برایم به جهنم بدل کرده ای ، بیزارم . من عاشق توسعه این نقطه از خاکم.

من برای این نقطه از خاک ، آب ، باد ، هوا ، درخت ، کوه ، دشت ، کشاورزی ، کارخانه ، معلم ، کارمند ، کارگر ، دانشجو ، دانش آموز ، با سواد ، بی سواد ، متخصص و ... برای همه چیزش ... عشق می ورزم و می میرم . و برای سربلندی و آوازه نام مردم خاکم ، مام میهنم تلاش می کنم .

می خواهم آرزوها و امیدهای ملت را خودم نقاشی کنم . خودم بسازم و به آنها برسم . من نمی خواهم تو برایم نقشه بکشی و آرزوهای خودت را بر من تحمیل کنی و من برای رسیدن به آرزوهای تو ، کار کنم . می خواهم ، باشم .

**نشریه آراز سی بدین
وسیله از دانشجویان
علاقه مند دعوت به
همکاری میکند.**



آشنایی با مشاهیر آذربایجان (۱)

پروفسور هشترودی

محسن هشترودی فرزند شیخ اسماعیل هشترودی در دی ماه ۱۲۸۶ شمسی در تبریز متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی در زادگاهش به تهران آمد و در مدارس اقدسیه و دارالفنون را به پایان رسانید.

محسن هشترودی در رشته پزشکی به تحصیل پرداخت ولی وقتی به اروپا رفت رشته ریاضی را انتخاب کرد و از دانشگاه سوربن درجه دکترای دولتی گرفت . هشترودی پس از مراجعت به ایران به تدریس پرداخت. بدواً رئیس فرهنگ تهران و سپس رئیس دانشگاه تبریز شد و مدتی رئیس دانشکده علوم بود و هزاران شاگرد تربیت کرده است.

دکتر هشترودی در خیلی از مجامع علمی جهان عضویت یافت و به سخنرانی های علمی پرداخت و به تدریج از مفاخر علمی معاصر ایران شد.

پروفسور هشترودی با وجود داشتن همسر و خانواده خوب به علت فوت یک دخترش در جوانی دچار ناراحتی فراوان گردید و اشعاری هم در این زمینه سروده است.

دکتر هشترودی در مدت ۶۹ سال زندگی پر بارش آثار پر ارزشی از خود به یادگار نهاده و درگذشت او در سال ۱۳۵۵ یک ضایعه بزرگ برای جامعه دانشگاهی ایران و مجامع علمی شد.

جسد دانشجوی تبریزی در خوابگاه دانشگاه تربیت مدرس پیدا شد

در آخرین روزهای سال ۸۴ جسد بهرنگ یزدانی، دانشجوی تبریزی رشته زیست شناسی دانشگاه تهران در خوابگاه شهید شاهرادی دانشگاه تربیت مدرس پیدا و برای بررسی و تعیین علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. دکتر قمصری، معاون دانشجویی دانشگاه تهران با تایید این خبر به خبرنگار صنفی آموزشی خبرگزاری دانشجویان ایران، گفت: هنوز پزشکی قانونی علت مرگ را مشخص نکرده و یا حداقل به دانشگاه اعلام نکرده است. وی با اظهار تعجب از پیدا شدن جسد دانشجوی دانشگاه تهران در خوابگاه دانشگاه دیگری، اظهار کرد: خوابگاهی که جسد دانشجوی دانشگاه تهران در آنجا کشف شد، در زمان حادثه به حالت نیمه تعطیل بوده است.

تشییع جنازه شهیدان ترور خونین در شهر ماکو

روز جمعه ۸۵/۱/۱۱ شهرستان ماکو شاهد حضور هزاران نفری مردم برای تشییع پیکر شهیدان ترور خونینی بود که توسط نیروهای مسلح کرد صورت گرفته بود. در این مراسم که چندین ساعت به طول انجامید مردم شهرهای ماکو، شوط، پلدشت و روستاهای منطقه شرکت داشتند. در طی مراسم با وجود اینکه دو ماشین مجهز به سیستم صوتی با گفتن شعارهایی مانند:

مرگ بر منافق
مرگ بر امریکا

.....

قصد جهت دهی به شعارهای مردم را داشتند لیکن شعارهای غالبی که سوی مردم و خصوصا تعدادی از جوانان پر شور که در کنار یکدیگر حلقه ای تشکیل داده بودند تکرار می شد بصورت زیر بود:

اینتیقام اینتیقام اینتیقام

اؤلوم اولسون اوجالانا

اؤلوم اولسون پژاکا

و

و تنها شعارهای مذهبی مانند

-لا اله الا الله

-الله اکبر

که از طریق این ماشین ها اعلام می شد تا حدودی توسط حاضرین تکرار می شد.

در زیر تصاویری از این مراسم در روستای یولا گلدی آورده شده است.



زبان

مهمترین ابزار فرهنگ بشری

(واحید قاراباغلی)

آنچه که هر جامعه را از جوامع دیگر تمییز می‌دهد، خصوصیات است که شناسنامه‌ی فرهنگی آن جامعه به حساب می‌آید. تاریخ و گذشته تاریخی، وطن و سرزمین نیاکان، باورها، زبان، عقاید، دین و اسطوره‌های مذهبی، حماسه‌ها، هنر و ادبیات کهن، نژاد و قومیت و سنن قومی عناصری هستند که "هویت فرهنگی" هر جامعه را می‌سازند. (۱) آنتا دیوپ انسان‌شناس آفریقایی در مقاله‌ای در باره هویت فرهنگی هر فرد می‌نویسد: هویت فرهنگی هر جامعه به سبب عامل بستگی دارد: تاریخ، زبان و روان‌شناختی. اهمیت عوامل فوق در موقعیت‌های تاریخی و اجتماعی مختلف یکسان نیست. هر گاه این عوامل به طور کلی در یک ملت یا فرد وجود نداشته باشد، هویت فرهنگی ناقص می‌شود تلفیق موزون این عوامل یک وضعیت ایده آل است. هر گاه یکی از این عوامل تحت تاثیر قرار گیرد، شخصیت فرهنگی جمعی یا فردی تغییر می‌کند. این تغییرات ممکن است تا آن جا ادامه یابد که موجب یک "بحران هویتی" شود. (۲)

زبان نیز یکی از مهمترین ابزار فرهنگ هر ملت می‌باشد، همانا زبان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت دست‌آوردهای بشری در هزاران سال زندگی خود بر روی کره‌ی خاکی و در واقع درلجه‌های متفاوت زبانی، نگرش متفاوت آنها به هستی است، تک تک آنها گنجینه‌های ارزشمندی هستند که مستحق محافظت و شکوفایی می‌باشد. خداوند متعال در کتاب آسمانی ما مسلمانان چندین مرتبه به اهمیت "گونا گونی" زبانها و "تعداد اقوام" اشاره نموده و عظمت آن را همسان با خلقت زمین و آسمان نامیده و همه اینها را نشانه‌ای برای دانشمندان می‌داند هر چند که در پیشگاه عظمتش تنها عامل برتری و تمایز پرهیز کاری و تقواست. همانا زبان نخستین وسیله ارتباطی بین انسانها و رایج‌ترین و کارآمدترین آن در طول قرون متمادی در میان طوایف، اقوام و ملل جهان بوده است در دنیای امروز زبان دیگر مثل گذشته تنها وسیله ارتباطی ساده بین انسانها نیست، بلکه زبان نشانه هویت و مهمترین عامل در شناسایی موجودیت و مشخصه یک ملت زنده و پویا است، زبان وسیله‌ای است که انسان توسط آن کاخ فرهنگ و مدنیت خویش را بر پا می‌سازد و اندیشه و عقیده و ایمان را استحکام می‌بخشد.

از این روست که دانشمندان گاهی از زبان به عنوان کلید شبکه‌های ارتباطی و گاهی نیز سرمایه فرهنگی یاد می‌کنند. بنابراین قولی مشهور از کادامر وجه اساسی بودن انسان در جهان زبان است. که افراد با تسلط بر آن می‌توانند علاوه بر برقراری روابط اجتماعی نوعی هویت ویژه کسب می‌کنند.

ویتگنشتاین یکی از فیلسوفان جهان معاصر جمله‌ای دارد که تعریف زبان را به مراتب روشن تر از همگان ارائه می‌دهد او در جمله‌ای کوتاه به اندیشه‌ای بسیار بزرگ می‌پردازد: "زبان من جهان من است و جهان من زبان من" تاملی مختصر در این جمله اندیشمندانه معانی بلندی از رابطه ذهن و زبان فراهم می‌آورد.

از این رو هویت فرد چه در سطح قومی و در سطح ملی تا حدود زیادی بستگی به زبانی دارد که او فرا می‌گیرد. وقتیکه از حفظ، تقویت و توسعه فرهنگ یک جامعه سخن به میان می‌آید، زبان به عنوان یک عامل اساسی مطرح می‌شود، چرا که زبان در حکم رشته‌ای است که فرهنگ گذشته و حال را به هم پیوند می‌دهد. زبان پدیده بیرونی نیست. انسان با زبانش زاده میشود در زبانش سیر می‌کند، در حریم زبانی خود تنفس می‌کند، رشد می‌کند و می‌میرد.

زبان هر ملت به مثابه ظرف حضور آن ملت در کره‌ی خاکی است یعنی اینکه برای شناخت ملتی باید زبان او را شناخت. شاید آوردن ضرب المثل معروف فرانسوی که می‌گوید: "هر کس زبان مادری خود را نداند یک وحشی است." در اینجا بیجا نباشد. بنابراین امروزه سازمان‌های علمی و فرهنگی دنیا سعی در بررسی و محافظت از زبانهای متفاوت و حتی مواظبت از زبانهای قلیل‌المتکلم در حال نابودی دارند.

چند سالی می‌شود که جهان روز - ۲۱ فوریه اول اسفند شمسی - را در حالی سپری می‌کند که یونسکو (unesco) بزرگترین نهاد فرهنگی دنیای معاصر آن را روز جهانی زبان مادری نام نهاده است. درک هوشمندانه طراحان این روز در سال پایانی هزاره دوم (۱۹۹۹) و آغاز هزاره سوم - هزاره‌ای که جهان با عزمی تمام به سوی "دهکده" شدن می‌تابد و نظریه‌ای که مارشال لوهان در اواسط دهه ۹۰ بدان پرداخته بود جامعه عمل می‌پوشد - بیانگر اهمیت فوق‌العاده زبانهای متعدد و اقوام متنوع ساکن در این دهکده بی‌کران است. امه سه رز شاعر سیاهپوست می‌گوید: "هر فرهنگی برای اینکه شکفته شود، نیاز به چارچوبی دارد و به ساختمانی که زبان را می‌توان در این چهارچوب قرارداد."

زبان را روانشناسان منجمد گفته‌اند که با رشد جامعه بسوی تکامل می‌رود و چون در بعضی جوامع زبانهای بومی از آنجا که دیگر زبان رسمی، اداری، مدرسه‌ای و زبان فکری نیست به قهقرا می‌رود، و از این رو مانع رشد آن زبان می‌شود که حتی گاه به نیستی‌اش تهدید می‌کند.

جدایی عاطفی از مادر و خانواده، بحران عاطفی و عملاً، حذف تدریجی از سطوح ممتاز جامعه و... وجود اصول مترقی ۱۵ و ۱۹ قانون اساسی که تاکید بر حقوق مساوی اقوام مختلف ایرانی و همچنین استفاده از زبانهای محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس می‌نماید و نشان از دوراندیشی تدوین گران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارد. اینک با سپری شدن ۲۷ سال از انقلاب اسلامی و در طول همه این سالها کتابهای متعدد، مطبوعات محلی، نشریات دانشجویی بی‌شمار در دانشگاههای سراسر کشور به زبانهای اقوام ایرانی منتشر می‌شوند که خود نشانگر اعتقاد مسئولین نظام به فضای متکثر فرهنگی بوده و خط بطلانی بر سیاستهای شوونیستی فارس گرایان کشیده است. اما غفلت در مورد ایرانیان تورک زبانی که بیش از ۳۰ میلیون از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و خواستار آموزش مدرسه‌ای و دانشگاهی زبان و ادبیات غنی تورکی آذربایجانی هستند می‌تواند چالش‌هایی را در این برهه زمانی حساس برای نظام بیافریند که در فضای کنونی که استکبار جهانی نقشه‌های پلیدی در سر می‌پرورد هرگز به صلاح نیست.

منابع:

- ۱- زمینه فرهنگ شناسی - دکتر محمد روح الامینی ص ۱۱۱
- ۲- پیام یونسکو (unesco) - شهرپور و مهر (۳۶)
- ۳- از کتاب: فرهنگ و نژاد پرستی، اثر هیلون دیوپ، فرانتس قانون، امه سهرز
- ۴- خودآگاهی - استعمار - دکتر علی شریعتی - ص ۳۱-۳۲
- و با استفاده از سرمقاله: روز جهانی زبان مادری، ۲ اسفند ۸۴

تورکجه آدلار

سای	آد	آتلام	آد
۱	آلیشان	شعله ور	Alışan
۲	آلپار	جوانمرد	Alpar
۳	آلپاتای	از بزرگان سکایی	Alpatay
۴	آلپای	قهرمان ماه	Alpay
۵	آلتای	زادگاه تورک‌ها	Altay
۶	آنار	با فهم	Anar
۷	آرات	جسور	Arat
۸	آراز	بزرگ قوم آز	Araz
۹	آرکان	کمند	Arkan
۱۰	آرکو	پادشاه دلاور	Arko
۱۱	آرتابا ی	سپهسالار	Artabay
۱۲	آرتان	زمان طلوع خورشید	Artan

وقتی فرانسویها قبول نمی‌کردند که زبان عربی را در الجزایر و زبان ماداگاسکار زبانهای رسمی باشند و مانع از آن می‌شوند تا در شرایط دنیوی نوین این زبانها با تمام نیروی بالقوه خود را به فعل درآورند. از این راه به فرهنگ عربی و ماداگاسکاری ضربه می‌زنند (۳)

جان استوارت می‌گوید: اگر استعمار بخواهد که ملتی را وابسته خود سازد نخست سراغ هویت و زبان آنها می‌رود. اگر ملتی فرهنگ (زبان و نژاد و...) خود را از دست بدهد و استحاله و آسیمیله شود همیشه در طول تاریخ مورد استثمار دیگر ملل و فرهنگ مهاجم قرار می‌گیرد. چرا که استثمار و استعمار اقتصادی و اجتماعی از استثمار فرهنگی آغاز میشود. استعمار گران (فرهنگی...) معمولاً در عصر جدید از حذف فیزیکی ملتی استفاده نمی‌کنند و همانا از نظریه استعماری هیتلری که می‌گوید: بطور کلی برای معدوم و منقرض ساختن یک ملت (با تمامی عقاید و فرهنگ مربوط اش) تنها کافی است زبان آن ملت و قوم از بین برده شود! بهره می‌جویند.

دکتر علی شریعتی در کتاب "خودآگاهی" در باره استعمار فرهنگی چنین می‌نویسد: استعمار گران همانا از دیالکتیک سوردل استفاده کردند، بچه وقتی که مادرش می‌زند، دعوا و تهدیدش می‌کند ناراحت است و برای اینکه از حمله مادر در امان بماند، به خود مادر پناه می‌برد. این دیالکتیک سوردل است که نژاد حاکم، برای اینکه قوم و ملت یا ادبی را به زیر مهمیز قدرت و تسلط خودش بکشد تحقیر اش می‌کند و به قدری مذهبش را، ایمانش را، آداب اش را، فکراش را، شخصیت‌هایش را، گذشته‌اش را همه چیز اش را تحقیر می‌کند که او برای اینکه از مسیر هایی که بوسیله آنها تحقیر می‌شود، فرار می‌کند به دامن خود او پناه می‌برد. (۴)

نتیجه:

هما نظوریکه گفتیم زبان پدیده‌ای اجتماعی است با رشد جامعه به سوی تکامل متحول می‌شود و جزو پدیده‌هایی است که با انسان می‌بالد و با انسان مضمحل می‌شود، از این رو دانشمندان و جامعه‌شناسان برای مقابله به تهاجم رهنگی بیگانه تکیه بر فرهنگ خودی و تقویت ان را راه کار مقابله می‌دانند.

همانا زبانها گنجینه‌های معنویت، انسانیت هستند و نه تنها پایمال کردن زبانی ظلم به سخنگویان آن زبان است، بلکه در کل دشمنی با معنویت و فرهنگ بشری است (محسوب می‌شود).

همانا (linguicide) دشمنی با یک زبان، بی‌توجهی یا سعی در نابود کردن آن چه عمداً و چه سهواً زبان کشی محسوب می‌شود. که همانا زبان کشی یکی از ابزارهای قوم کشی (ethnocide) و یا به عبارتی فرهنگ زدایی از مردم به شمار می‌رود. نابود کردن ان در حقیقت تلاش برای از بین بردن نشانه‌های خداوندی و عصیان در مقابل اراده خداوند است.

علاوه بر مطالب گفته شده بی‌توجهی و یا ایجاد محدودیت زبانی اثرات سوء بیشماری در پی دارد از جمله: ترک تحصیلی، افت شدید درسی، شکست در امتحانات تعیین‌کننده مثل کنکور، عدم تکمیل نظام فکری و شخصیتی فرد، کاهش خلاقیت، ضعف بیان،

فاجعه ای دیگر در آذربایجان تخریب میراث فرهنگی آذربایجان در مراغه

بر اساس قوانین حفاظت از میراث فرهنگی هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق انجام عملیات ساختمانی در شعاع ۲۰۰ متری بناهای تاریخی را ندارد. اما در مراغه وضعیت به گونه ای دیگر است در مراغه قانون را میزان رانت و پول مشخص میکند

۲ سال پیش در شهرستان مراغه مسئولین در جهت آزادسازی محوطه بنای تاریخی برج کبود اقدام به تخلیه و تخریب مدرسه هدف که در مجاور این برج قرار دارد نمودند اما در ایام نوروز امسال مردم متوجه حصار کشی تخته ای!!! محوطه برج کبود مراغه شدند و اکنون مردم در جلوی این مکان تابلویی را مشاهده میکنند که حاکی از احداث مجتمع تجاری ۴ طبقه در کنار این بنای دوره ایلخانی هستند به نظر می رسد که مسئولین با شعار آزادسازی محوطه اطراف برج کبود مراغه سعی در محصور سازی گنبد کبود مراغه بین مجتمع های تجاری و پاساژها ی چند طبقه و در نهایت تخریب این بنا دارند

و اکنون پیمانکار مجموعه در فاصله کمتر از ۲۰ متری بنا اقدام به خاکبرداری به عمق ۳ متر (فعلا) نموده است

دو " قبر " باستانی در بخش شاهرود خلخال کشف شد

خلخال ، اردبیل ، خبرگزاری جمهوری اسلامی ۸۵/۰۲/۰۷ داخلی. فرهنگی. میراث فرهنگی و گردشگری.

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل اعلام کرد: دو قبر باستانی در حوالی روستای گیلوان بخش شاهرود خلخال کشف شده است.

مسعود علویان صدر روز پنجشنبه به خبرنگار ایرنا گفت: این قبرها در پی عملیات تعریض جاده توسط ماشین آلات سنگین اداره راه و ترابری خلخال از دل خاک بیرون آمده است.

وی افزود: این دو قبر که از نوع دسته جمعی و گودالی است به دوران اوایل هزاره اول قبل از میلاد مربوط می شود.

وی گفت: از این مکان آثار باستانی متعدد از جمله سفال ، ابزارآلات جنگی ، اشیای تزئینی ، اشیای فلزی و سنگهای قیمتی کشف شد.

وی افزود: هم اکنون کارشناسان و گروه کاوش اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری استان در حال ادامه تحقیقات و بررسی سایر ابعاد این قبرها در منطقه هستند.

مدیرکل میراث فرهنگی و گردشگری استان اردبیل گفت: این کارشناسان همچنین در حال شناسایی دقیق قدمت تاریخی و ارزش اشیای بدست آمده می باشند.

از اعضای جمعیت اسلامی دعوت می شود که
در نشست اعضای فعال جمعیت مورخه
۱۳/۲/۸۵ روز چهارشنبه حضور به هم رسانید.
مکان: کلاس افیزیک ساعت ۱۵

بسمه تعالی

آنکه پای از سر نخوت نهادهای بر خاک
عاقبت خاک شد و خلق براو میگذرند

جناب آقای آرش رایجی

همه ما به درستی مفهوم عنوان نوشته ی شما (فحاشی گری شما) را خواندیم و بسیار متعجب گشتیم و به سختی باور نمودیم که چنین نوشته ای در نشریه ی یکی از بزرگترین تشکل های فرهنگی و دانشگاهی کشور که داعیه داروالاترین ارزشهای انسانی و اسلامی می باشد چاپ شده باشد.

در ابتدا سعی نمودیم تا با بیان شما به شما پاسخ داده باشیم ولی افسوس که ما با همه ی افسوس هایی که برای شما می خوردیم نتوانستیم نوشته های خالی از مدرک و سند شما را اراجیف چرت و پرت ویا ... بنامیم و با زبان خودتان به شما پاسخ بگوییم.

شما در نوشته ی خویش علاوه بر فحاشی، به اظهارنظرات گوناگون (و در عین حال ضد و نقیض) و اتهامات بی پایه و اساس پرداخته اید که در اینجا لازم دیدیم تا چند نکته را به شما و هم فکراتان یادآوری نماییم.

شاید بعضی از نظرات آقای پورپیرا بردلایل گوناگون نظیر موازی بودن نظریه ایشان با جریان های افراطی و مشکل تراشی های گوناگون سبب تضعیف نظریه ایشان شود ولی صحبت از تاریخ قبل از هخامنشیان و ساسانیان و مقایسه این دوران با دوران های گذشته و اثبات سکونت قبایل غیر آریایی پیش از تمدن کوروش چرا سبب ناراحتی و خشم شما می شود؟ بی شک این خشم ناشی از خود رایی و تفکر دیکتاتور مآب و شبه فاشیسمی و نئونازیسمی شما می شود.

با همه اغتشاشاتی که شما و دوستانتان در جلسه ی سخنرانی آقای پورپیرا ابراز داشتید ؛ ما با دیده ی اغماض بر شما و دوستان شما نگرستیم ولی اکنون مشاهده می نماییم که با فرد لجام گسیخته ای که شمه ای از ابتداییترین آداب نوشتاری را نمی تواند رعایت کند و دهان خود را بی هیچ حرمتی باز کرده، باید با چوب تر برخورد کرد نه با زبان منطق!

آش نخورده و دهان سوخته یا بهتر بگوییم آش نبوده و دهان سوخته.

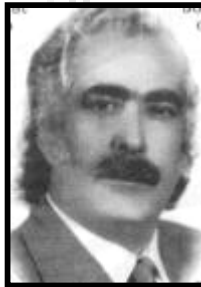
اتهامات موهوم شما مبنی بر هدایت ازسوی ارگانهای خارج دانشگاهی و کشورهای همسایه و اتهام تجزیه طلبی _ که حتی ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی کشور هم تا به حال نتوانسته اند آنرا بیان کنند یاوه گوییهای است در جهت زیر سوال بردن عملکرد دوستان ما و تبلیغات گسترده در جهت تضعیف و تحقیر هویت ملیت ها و قومیت های مختلف می باشد.

سخنان شما از ارمغانهای دولتهای غرب برای کشورهای جهان سوم حکایت می کرد؛ این ارمغان یکسان سازی فرهنگی برای ساختن یک هویت مجعول و نسل کشی خاموش - در جهت حفظ منافع اقلیت حاکم - میباشد و نه تعبیر شما!! تلاش دوستانمان فقط در جهت حفظ ارزشهای انسانی است و به قول فرانسوی ها انسانی که زبان مادری خود را فراموش کند حیوانی بیش نیست!!

حمایت های کتبی و عملی انجمن اسلامی از برخی دوستان ما سبب جلوگیری از تعمیم این نوشته به نظر کل انجمن می شود و چاپ این نوشته را در نشریه رسمی این تشکل تنها اقدامی سهوی می پندارد و به خاطر جلوگیری از ایجاد

هرگونه تفرقه و نفاق - بدلیل برخی اهداف و مواضع مشترک -
 از زیر سوال بردن عملکرد انجمن اسلامی خودداری می نمایم
 ولی برای جلوگیری از روند کنونی اتهامات واهی و تمسخرات، ما
 اعتراض خویش را از نوشته ی بی محتوای شما ابراز می داریم و اگر
 شما نسبت به نوشته ی خویش اظهار ندامت و عذر خواهی ننمایید
 ما مجبور خواهیم شد تا بر خلاف میل باطنی خویش از نهادهای
 مربوطه و دادگاه جویای مدارک شما برای اثبات حقایق کذب
 نوشته ی شما شویم .
 ...ملامت کنید و ناسزا گوید
 لعنت بفرستید و تمسخر کنید
 باروهای ما ستیز کنید و دشمنی ورزید
 ستم کنید و سنگ اندازید و بر صلیب کشید
 زیرا روح و جان نزد ما گوهری است که هرگز ستم پذیر نیست...
نامه رسیده از یک دانشجو

اونوتما !
 الینده وئردیییم گول
 سولوب ، گئدندی
 دوداقدال بال گولوش
 کسیب ، اؤتندی
 بو دونیا فیرلانیب
 باتیب ، ایتندی
 منی سئودیینی،
 اونوتما گولوم!
 تئز اؤتن چاغلاردا
 قالدی هوسیم
 هایقیردیم ، باغیردیم
 دوندو نفسیم
 آنجاق اوزاقلاردان
 ائشیتسن سسیم،
 منی سئودیینی،
 اونوتما گولوم!
 من سنه سئوگی یوخ،
 وطن دئمیشم .
 من سنی دونیالار
 بویو سئومیشم
 من سنی سئومکده
 جانندان کئچمیشم
 منی سئودیینی
 اونوتما گولوم!
 یئل گلیب قوپارسا
 گولو الیندن
 ساچلارین اویناسا
 اسن یئل ایله
 مین ایل ده گلیب - گئدسه
 اؤتسه بو گوندن
 منی سئودیینی،
 اونوتما گولوم!



یاساق
 طالیمه سن باخ
 دوشونجه لریم یاساق
 دو یغولاریم یاساق
 کئچمیشدن سوز آچماغیم یاساق
 گله جکدن دانیشماغیم یاساق
 آتا- بابامین آدین چکمه ییم یاساق!
 بیلیرسن؟
 آنادان دوغولاندان بئله
 اوزوم بیلمه یه بیلمه یه
 دیل آچیب دانیشدیغیم دیلده دانیشماغیمدا یاساق
 ایمیش، یاساق
ب. ق. سهند

بابک قوجا اوغلو

نشریه اجتماعی سیاسی فرهنگی دانشجویان دانشگاه زنگان

شماره چهارم بهار ۸۵

صاحب امتیاز: جمعیت اسلامی دانشجویان دانشگاه زنگان

مدیر مسئول: سهیلا عباس لو

زیر نظر شورای سردبیری

صفحه آرا: قبیچاقلی (ابراهیم شهبازی)

همکاران این شماره: احداداشی - داود خداکرمی - امیر حبیبی - جعفر سلیمی

اسماعیل جباری - عابدین نظری - سعید اجلی